

آزادی حیوانات

پیتر سینگر

ترجمه و افزوده‌ها
به نام خداوند



Singer, Peter

سرشناسه: سینگر، پیتر، ۱۹۴۶-م.

عنوان و نام پدیدآور: آزادی حیوانات/ پیتر سینگر؛ ترجمه و افزوده‌ها بهنام خدایانه.

مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۴۸۸ ص.: مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۳۲۴-۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Animal liberation.

موضوع: حمایت حیوانات

Animal welfare: موضوع

موضوع: حقوق حیوانات

Animal rights: موضوع

موضوع: گیاهخواری

Vegetarianism: موضوع

شناسه افزوده: خدایانه، بهنام، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶: ۹۴۴/ HV۴۷۰۸

رده‌بندی دیویی: ۱۷۹/۳

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۷۴۵۵۸۲

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Animal Liberation

Peter Singer

HarperCollins, 2002



نشر ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، میان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۶۶۴۰۰۶۴۰

* * *

پیت‌ر سینگر

آزادی حیوانات

ترجمه و افزوده‌ها: بهنام خداپناه

چاپ اول

۹۹۰ نسخه

۱۳۹۶

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۰ - ۳۲۴ - ۲۷۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 600 - 278 - 324 - 0

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۳۵۰۰۰ تومان

فهرست

۹	مقدمه مترجم
۱۱	ضرورت طرح «حقوق حیوانات»
۱۳	گرایش‌های اصلی در زمینه حقوق حیوانات
۱۹	وضعیت حقوق حیوانات در ایران
۲۴	حیوان‌آزاری‌های ما
۳۵	چگونه منشأ اثر می‌شویم؟
۳۷	درباره نویسنده
۴۰	درباره ترجمه
۴۵	پیشگفتار نویسنده به مناسبت ترجمه فارسی کتاب
۴۹	مقدمه (به قلم یووال نوح هراری)
۵۹	پیشگفتار نویسنده به مناسبت چهلمین سالگرد انتشار کتاب
۶۵	پیشگفتارها
۹۱	۱. همه حیوانات برابرند
۱۲۳	۲. ابزارهای پژوهش
۲۲۷	۳. درون دآمداری صنعتی
۳۲۳	۴. گیاهخواری

- ۳۶۱ ۵. سلطه انسان...
- ۳۶۳ تفکر پیشامسیحی
- ۳۶۷ تفکر مسیحی
- ۳۸۳ دوره روشنگری و پس از آن
- ۴۰۱ ۶. گونه پرستی در جهان معاصر...
- ۴۵۳ پیوست: منابع برای مطالعات بیشتر
- ۴۵۹ قدردانی
- ۴۶۳ ۷. سوایر
- ۴۷۳ نماز

مقدمه مترجم

هر دو دور یک مبرشته بودند؛ خانمی و آقای. کافه یا به گمانم کافه رستورانی بود در یکی از خیابان‌های نسبتاً مشهور پایتخت. خانم ژله‌بستنی می‌خورد و آقا کافه دلالت. خانم که آرایش نسبتاً غلیظی داشت، کیف و کفش‌هایش به یک رنگ بودند و اصطلاح ست کرده بود. آبی یا به گمانم سرمه‌ای بودند. کلی هزینه‌شان درده بود از جنس چرم مرغوب بودند. پالتویی هم به تن داشت که آن هم به همین صورت از چرم حیوانی بود. و اما آقا؛ کت و شلواری شیک و گرانبه به تن داشت. کفش‌های چرمی که برقشان چشم را می‌زد. بحث می‌کردند. خانم ظاهراً آن‌گونه که ادعا می‌کرد فمینیستی^۱ بود که هدفش احقاقِ حقوق پایمال‌شده خانم‌ها بود، و آقا هم ظاهراً وکیل بود که هدف خود را احقاقِ حقوق انسان‌ها می‌دانست.

این وضع دست‌کم اکثر ما تحصیل‌کرده‌هاست. در حالی که خواسته یا ناخواسته به وجود رویه‌هایی یاری می‌رسانیم که به ناحق‌ها دامن زده و برآورد حق و احقاق حق سخن می‌گوییم. به شکلی خودخواهانه برای زیبا کردن خود از لوازم آرایشی استفاده می‌کنیم که به قیمت وارد ساختن بیشترین دردها و رنج‌ها، به منظور تضمین صحت و سلامت این لوازم برای خودمان، بر حیوانات بی‌گناه به دست آمده‌اند، از لذتِ خوراکی بهره می‌بریم که در ذره ذره‌اش درد و ناله حیوانی رنجور نهفته است، کفش و پوشاکی به تن می‌کنیم که در پس زیبایی،

استحکام ظاهری و گرمای آن، بدن زخم خورده، رنجور و سرد حیوانی بوده است که روزی متحمل بدترین و شنیع‌ترین رفتارها از ناحیهٔ ما انسان‌ها شده، و در چنین شرایطی می‌نشینیم و با فخر و مباهات بادی به غیب می‌اندازیم و از ناحقی‌ها شکوه و شکایت می‌کنیم.

به‌راستی چگونه چنین چیزی ممکن است؟ چگونه امکان دارد زمانی که درد ما در بدترین شکل ممکن، و تنها برای ارضای لذت‌های خودخواهانه و رودرمان، حقوق گستردهٔ عظیمی از موجودات حساس را زیر پا می‌گذاریم بنشینیم و دربارهٔ احقاق حق سخن بگوییم؟ زمانی که خود ما ناقضان حق این گسترهٔ عظیم - دوران محسوب می‌شویم چگونه ممکن است انتظار برآورده شدن حقوق خود را داشته باشیم؟ زمانی سهراب سپهری در پاسخ به انتقادات احمد شاملو از او می‌پرسد: «سر آدم‌های بی‌گناهی را لب‌چوب می‌برند و من دو قدم پایین‌تر ایستم و بوسه‌کنم که آب را گل نکنید.»^۱ تصورم این بود که یکی مان از مرحلهٔ پرت بوم... چنین گفته بود: «انسانی که نگران آب خوردن یک کبوتر نباشد، همان‌انسان به راحتی آدم می‌کشد» و این حرف سهراب دقیقاً ناظر به همین مطلب است.^۲ چگونه می‌توانیم به‌رغم شواهد علمی بسیار^۳ مبنی بر احساس درد و لذت برای گونه‌های دیگر، درد و رنجی را که بر این گسترهٔ عظیم موجودات وارد می‌سازیم نادیده بگیریم، تنها خود را واجد چنین احساساتی بینگاریم، و حیوانات را به واسطهٔ بازی خودکاری تشبیه کنیم که از احساسات درد و لذت تهی‌اند و تنها غایت و غرضشان ارضای امیال پایان‌ناپذیر ما انسان‌هاست؟ چرا ما انسان‌های (ظاهراً) متمسکین در رفتارمان با حیوانات تا این اندازه نامتمدن و بدوی هستیم؟

۱. آب را گل نکنیم: در فرودست انگار، کفتری می‌خورد آب/ با که در بیشهٔ دور، سیره‌ای پر می‌شوید/ یا در آبادی، کوزه‌ای پر می‌گردد... (کتاب حجم سبز).

۲. و مشخص نیست که چگونه آن دسته از اشعار سهراب که ناظر به مهربانی و عطوفت با حیوانات هستند عاری از دغدغه‌های انسانی و اجتماعی هستند اما اشعار شاملو، خصوصاً آن دسته از اشعار عاشقانه او برای همسرش، از این دغدغه‌ها مملو و سرشارند!

۳. دربارهٔ شواهد جهت تأیید احساس درد در حیوانات بنگرید به فصل اول کتاب.

ضرورت طرح «حقوق حیوانات»

ما انسان‌ها تقریباً همواره در حال خوردنیم. حتی زمانی که چیزی هم نمی‌خوریم در حال فکر کردن و تدارک دیدن وعده غذایی بعدی مان هستیم. صبح که از خواب بیدار شدیم و صبحانه مان را خوردیم، به این فکر می‌کنیم که برای وعده(های) بعدی غذایی مان در آن روز (یا حتی روزهای بعد) چه تدارک بینیم. معمولاً ترین شیوه برخورد ما با حیوانات نیز بر همین اساس مشخص می‌شود، یعنی نگه داشتن آنها به مثابه ماشین‌های تولید غذا. با فرض دست‌کم سه وعده غذایی، صبحانه، ناهار و شام، و با فرض این‌که همواره یا در حال خوردنیم یا در حال تدارک دیدن وعده غذایی مان، و با فرض این‌که تقریباً در همه وعده‌های غذایی مان فرآورده‌ای حیوانی وجود دارد، ما به حیوانات بسیار وابسته‌ایم. آن‌ها برای ما هیچ نیستند، گوناگون، بی‌ارزش و بی‌پروتنی که به‌خودی‌خود هیچ ارزشی ندارند مگر برآورده ساختن میل بی‌پایان برای خوردن.

اما استفاده ما از حیوانات منحصر به خوردن نیست. شوان مانسون^۱ در مستند رقت‌انگیز و تأثیرگذار خود با عنوان ساکنان زمین^۲ که دیدن آن به هر انسان صاحب درد و وجدانی اکیداً توصیه می‌شود، شیوه‌های استفاده ما از حیوانات را به چند دسته کلی تقسیم‌بندی می‌دهد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به استفاده مان از حیوانات برای خوراک، مانند سرگرمی، آزمایش برای مقاصد گوناگون پزشکی، آرایشی-بهداشتی، نظامی و... اشاره کرد.^۳ وجه مشترک همه استفاده‌هایی که از این طیف گسترده از حیوانات به عمل می‌آوریم یک چیز است: «منع».^۴ حیوانات برای ما منابعی هستند برای سرگرمی، تهیه خوراک، پوشاک، انجام دادن آزمایش برای مقاصد گوناگون.

1. Shuan Manson 2. *Earthlings*

۳. پیتر سینگر درباره این مستند گفته است: «اگر می‌توانستم کاری کنم که هر کسی در جهان یک فیلم ببیند، فیلم ساکنان زمین بود.» و تام ریگان فیلسوف آمریکایی و از مدافعان حقوق حیوانات نیز درباره این مستند گفته است: «برای کسانی که ساکنان زمین را ببینند، جهان هرگز مثل سابق نخواهد بود.» در این خصوص بنگرید به:

<http://www.nationearth.com/earthlings-1/> 4. resource

مارتین هایدگر،^۱ فیلسوف آلمانی، پیش از این، زمانه مدرن را زمانه‌ای توصیف کرده بود که در آن هر چیزی به عنوان «منبع» (Bestand) صرف ظاهر می‌شود. و این توصیف او قطعاً در مورد نگاه ما به حیوانات نیز صادق است. هایدگر همین نگاه به موجودات را عامل خشونت با آنان می‌داند که بر اساس آن زمانی که «گشیل» (Gestell)، که می‌تواند «در قاب یا چهارچوب نهادن»^۲ ترجمه شود، پدید می‌آید، هر امکان دیگری از آشکارسازی را به بیرون می‌راند. بالاتر از همه، «گشیل»، آشکارگی‌ای (به معنای پوئیسس) را که اجازه می‌دهد آنچه حاضر می‌شود به منصفه ظهور برسد می‌پوشاند.^۳

به عبارت دیگر، زمانی که ما حیوانات را تنها به مثابه منابع و ابزاری جهت برآوردن سلیقه‌های مختلف خود لحاظ کنیم، از در نظر گرفتن آن‌ها «به خودی خود» درمی‌انیم و چنین است که «خشونت» همچون نتیجه گریزناپذیر این دیدگاه سرریز می‌آورد. به تعبیر هایدگر، این‌گونه است که ما به دام متافیزیک، با معنای مطابقت ساختن یک دیدگاه در مورد موجودات، می‌افتیم.

ضرورت طرح «حقوق حیوانات» زمانی طرح می‌شود که ما این نگاه شیء‌وارانه را به دور افکنیم و حیوانات را «خود» و به مثابه موجوداتی صاحب درد لحاظ کنیم. درد کشیدن یا درد نکشیدن موجودی به چشم‌انداز، دیدگاه یا گفتمان ما وابسته نیست که در صورتی که آن را نادیده نگیریم درد برای آن موجود منتفی گردد. ما چه به این موضوع ملتفت باشیم یا نه، آن موجود در صورت وارد شدن دردی بر او، درد خواهد کشید. درد کشیدن واقعیتی است سوای بودن یا نبودن ما. نادیده گرفتن درد موجودی از ناحیه ما ناشی از حرفتی یک واقعیت است؛ واقعیتی که قرن‌هاست ما انسان‌ها آن را نادیده گرفته‌ایم و همچنان هم نادیده می‌گیریم.

۱. Martin Heidegger: (۱۸۸۹-۱۹۷۶) فیلسوف آلمانی قرن بیستم که در حوزه پدیدار-شناسی، هستی‌شناسی و اگزیستانسیالیسم بسیار تأثیرگذار بود. -م.

2. framing up

۳. جولیان بانگ، هایدگر و اسپین، ترجمه بهنام خداپناه (تهران: حکمت، ۱۳۹۴)، ص ۹۰.

گرایش‌های اصلی در زمینه حقوق حیوانات

نظریه معاصر حقوق حیوانات شامل دو رویکرد اصلی است که، به اختصار، یکی بر نظریه حقوق طبیعی^۱ و دیگری بر فایده‌باوری^۲ مبتنی است. نظریه پرداز موضع حقوق طبیعی تام ریگان است که در اثر خود با عنوان دفاع از حقوق حیوانات^۳ استدلال می‌کند که حیوانات - خصوصاً پستانداران بالغ - موجوداتی اخلاقی اند که همچون انسان‌ها حقوق جدایی‌ناپذیر مشخصی دارند. ریگان دفاع خود را عمدتاً بر رد کانت مبتنی می‌سازد که در صورت‌بندی ثانویه امر مطلق^۴ تصریح کرده بود که به این‌که «انسان و عموماً هر موجود عاقلی به مثابه غایتی فی‌نفسه، نه صرفاً به مثابه یک وسیله، وجود دارد» و این‌که موجودات عاقل واجد «ارزش مطلق»^۵ هستند، و از این رو مستحق رفتار به مثابه غایت، کانت و متفکران دوره روشنگری انسان‌ها را بر اساس عقلانیتشان به منزله فاعل‌های اخلاقی و از این رو مستحق انسان‌ها حقوق طبیعی‌ای تشخیص می‌دهند که باید با آن‌ها به مثابه غایت رفتار شود. همان‌طور که در طرح دفاعیه خود برای حقوق حیوانات، مقوله آن دسته از کسانی که به جد ارزش مطلق یا ذاتی هستند به نحوی بسط داده که نه تنها شامل موجودات فاقد عقل بلکه همچنین شامل موجودات هوشمندی غیر از انسان‌ها گردد. به عبارت دیگر، کانت که ادعا می‌کند «حیوانات صرفاً ابزارهایی برای غایتی هستند که از سوی انسان است»^۶، ریگان این کار را با توضیح تمایز بین فاعل‌های اخلاقی^۷ (کسانی که می‌توانند قضاوت‌های اخلاقی و عقلانی داشته باشند) و بیماران اخلاقی^۸ (کسانی که به رغم آن‌که نمی‌توانند چنین تصمیماتی بگیرند مستحق رفتار به مثابه غایت اند) توضیح می‌دهد. در حالی که طبق نظریه کانت نیازی نیست که با بیماران اخلاقی (عقب‌ماندگان شدید ذهنی، اطفال و اشخاصی با ناتوانی عقلی) به مثابه غایت

1. natural rights 2. utilitarianism 3. *The Case for Animal Rights*

4. Categorical Imperative 5. absolute worth

6. Immanuel Kant, *Duties to Animals and Spirits*, as cited in Regan, *The Case for Animal Rights* (Berkeley and Los Angeles: University of California Press, 1983), 177.

7. moral agents 8. moral patients

رفتار شود، ریگان این موضع او را غیر قابل قبول می‌یابد. از این رو، اگر بپذیریم که فاعل‌های اخلاقی و بیماران اخلاقی مستحق احترامی اساسی هستند که در مفهوم حقوق به نحو ضمنی نهفته است، ریگان استدلال می‌کند که بیماران اخلاقی غیرانسانی (حیوانات) نیز باید در مقولهٔ کسانی قرار بگیرند که مستحق رفتار به مثابهٔ غایت‌اند. خلاف این استدلال گونه‌پرستی^۱ است که همچون جنسیت‌پرستی^۲ و نژادپرستی^۳، یک گروه (انسان‌ها، مردها، سفیدها، آریایی‌ها) را بزرگ‌و‌ه‌های دیگر برتری می‌دهد.^۴ رفتار با حیوانات به مثابهٔ غایات و وظیفه‌ای انحرافی است و مربوط به عدالت و نه مهربانی.^۵ طبق نظر ریگان، کسانی که واجب^۶ از این رانم هستند باید واجد آگاهی درون‌ذهنی^۶ یا نوعی از آگاهی پیچیده^۷ باشند که در پستانداران بالغ قابل مشاهده است.^۷

نمایندهٔ دیدگاه فایده‌باورانه در خصوص حیوانات پیتر سینگر است. او این موضع خود را در کتاب تأثیرگذارش یعنی همین کتاب پیش رو، آزادی حیوانات، و به تأسی از کتاب جر می بتام با نام درآمدی بر اصول اخلاق‌ها و قانونگذاری^۸ بسط داده است. فرض است که تمام این است که وجه مشترک انسان‌ها با حیوانات حساسیت^۹ یا توانایی^۹ احساس درد و تجربهٔ لذت است. در عبارات سینگر، «توانایی رنج کشیدن و لذت بردن پیش شرط داشتن منافع است.»^{۱۰} برای مثال، یک تکه سنگ منفعتی در این‌که بدان نگه زده نشود ندارد، در حالی که یک موش چنین منفعتی دارد زیرا واجد توانایی درد و لذت است. طبق ادعای سینگر، «هیچ توجیه اخلاقی‌ای برای نادیده گرفتن رنج آن موجود وجود ندارد. اصل توجیه برابر به منافع مستلزم توجیه برابر به رنج هر موجودی است.» به بیان کوتاه، «درد و رنج بدند و صرف‌نظر از نژاد، جنس، یا گونهٔ مرجع، همان‌طور که رنج می‌کشد باید از آن پیشگیری شود یا به حداقل برسد.»^{۱۱} نظریهٔ آزادی حیوانات از دیدگاه فایده‌باورانه در مقایسه با رویکرد مطلق‌گرایانه^{۱۲} ریگان که تحت هیچ

1. speciesism 2. sexism 3. racism 4. *Ibid.*, 155. 5. *Ibid.*, 280.

6. subjective 7. *Ibid.*, 243.

8. *Introduction to the Principles of Morals and Legislation* 9. sentience

10. Singer, *Animal Liberation* (New York: Avon, 1975) p. 8. 11. *Ibid.*, 8, 18.

12. absolutist

شرایطی رنج حیوانات را مجاز نمی‌داند از انعطاف بیشتری برخوردار است. به طور مثال، سینگر اصرار دارد بر این‌که آگاهی از نتایج می‌تواند و باید ارزیابی سرنوشت یک موجود را تحت تأثیر قرار دهد. او در جایی می‌گوید که اگر رنج یک حیوان به درمان همهٔ اشکال سرطان کمک کند، آن رنج موجه خواهد بود.^۱ طبق نظر او، «منافع»^۲ مشابه، صرف‌نظر از گونه‌های درگیر، باید به شکلی برابر به شما آید. از این رو، اگر رویهٔ آزمایش به یک اندازه به یک خوک و یک انسان آسیب بزند، و نتایج وارد دیگری نیز وجود نداشته باشد، گفتن این مطلب خطاست که ما باید از خوک به این دلیل استفاده کنیم که رنج آن کمتر از رنج انسان است.^۳ در باب این مطلب توجه شود که هرچند ریگان و سینگر در مقام نظر اختلافات بسیاری دارند، اما مواضعشان در مقام عمل یکسان است: هر دو مخالف آزمایش روی حیوانات، بهره‌کشی از حیوانات به منظور خوراک و پوشاک، دامداری صنعتی، به‌گذاری، شکار، سوآرکاری و سیرک‌ها هستند.

در حالی که ریگان و سینگر در نظریات خود دربارهٔ حقوق حیوانات بر عنصر «عقلانیت» بسیار تأکید دارند، در نقطهٔ تقابل، ما با دیدگاه‌های فمینیستی در این باره مواجهیم، که می‌کوشند به جای «عقلانیت» بر «احساس»، «عاطفه» و «محبت» در مناسبات ما با حیوانات و محیط‌زیست تأکید گذارند. تأکید ریگان بر عقلانیت را می‌توان در این عبارات او مشاهده کرد: «از آن‌جا که همهٔ کسانی که به نیابت از منافع حیوانات کار می‌کنند با اتهام کثرت‌خیرعقول، 'احساسی' و 'عاطفی' بودن یا اتهاماتی بدتر مواجه‌اند، می‌توانیم این اتهامات را تنها با تلاشی گروهی به منظور غرق نشدن در عواطفمان یا به نمایش نگاشتن احساساتمان رد کنیم. و آن مستلزم تعهدی همیشگی به پژوهش عقلانی است».^۴ در همچنین «عقل — نه حس، نه عاطفه — و عقل ما را به تشخیص ارزش ذاتی برای حیوانات و حق برابرشان برای رفتاری توأمان با احترام وادار می‌کند».^۵ تأکید سینگر بر عقلانیت را نیز می‌توان در این گفته‌های وی از کتاب آزادی حیوانات مشاهده کرد

1. Singer, "Ten Years of Animal Rights Liberation" in *New York Review of Books* (January 17, 1985) p. 48. 2. interests 3. *Ibid.* 4. Regan, *ibid.* xii.
5. Tom Regan, "The Case for Animal Rights," in *In Defense of Animals*, ed. Peter Singer (New York: Blackwell, 1985), 24.

که «در هیچ کجای این کتاب به عواطف خواننده متوسل نمی‌شوم مگر این‌که عقل بر آن تأکید کند»^۱ و همچنین «گرچه توجیه نهایی برای مخالفت با هر دو نوع این آزمایش‌ها امری عاطفی نیست، بلکه توسلی است به اصول اساسی اخلاق که همه ما می‌پذیریم، و عقل است که خواستار اطلاق این اصول به قربانیان هر دو نوع آزمایش‌ها می‌شود، نه احساس».^۲ از نظر متفکران فمینیست، این دو رویکرد تمایل ذاتی‌شان را در قبال عقل‌گرایی^۳ آشکار می‌کنند که به شکل ساقفی در شکل عینی‌گرایی دکارتی،^۴ توجیه نظری اصلی‌ای را به نفع سوءاستفاده از حیوانات فراهم کرده بود. از نظر آن‌ها عقل‌گرایی مورد باور ریگان و سینگر حائلی است که نهایتاً سر از «عقلانیت علمی» و مردانه‌ای درمی‌آورد که منجر به بهره‌مندی سوءاستفاده از حیوانات می‌شود.

نظریه‌پردازان زن عرصه حقوق حیوانات به‌نظر حسی از پیوند عاطفی بیشتری با حیوانات را به‌نابۀ مبنای نظریه خود در مقایسه با آنچه در ادبیات مردانه آشکار است توسعه داده‌اند به‌طور مثال، ماری میجلی، نظریه‌پرداز معاصر دیگری در این زمینه، اصرار دارد بر این‌که «آنچه باعث می‌شود موجوداتی که در وجود ما شریک هستند مستحق توجه اساسی باشند نه توانایی عقلی بلکه شراکت عاطفی است». حیوانات آن نوعی از پیچیدگی اجتماعی و عاطفی را به نمایش می‌گذارند که با شکل‌گرفتن در رابط عمیق، ظریف و ماندگار بیان می‌شود.^۵ کونستانتیا سالامون، یکی از فعالان برجسته فمینیست حقوق حیوانات، بی‌پرده تمایل عقل‌گرایانه و مردانه^۶ نظریه جاری حقوق حیوانات را محکوم می‌کند.^۷ در قرن نوزدهم، فعالان زن جنبش ضدیت با زناشکافی،^۸ همچون فرانسیس پاور کوبه،^۹ «ماده‌گرایی»^{۱۰} خشک عقلی^{۱۱} سم را نه تنها به‌عنوان تهدید به «سرد کردن حساسیت و عاطفه انسانی می‌داد دشمن خود در نظر

1. Singer, *Animal Liberation*, xxi. 2. *Ibid.* 3. rationalism

4. Cartesian objectivism

5. Mary Midgley, "Persons and Non-Persons," in *In Defense of Animals*, 60.

6. masculinist 7. Constantia Salamone, xeroxed form letter, July 1986.

8. anti-vivisection 9. Frances Power Cobbe 10. materialism

گرفتند. ضدیت با زنده شکافی از قلب و روح انسان در مقابل قرار گرفتن در دستان علم بی عاطفه محافظت می کرد.^۱

نظریات فمینیستی حقوق حیوانات از طیف گسترده‌ای برخوردارند. اما آنچه در اکثر آن‌ها به چشم می خورد عبارت است از نقد عقلانیت موسوم به «عقلانیت مردانه» و تلاش برای نشان دادن عاطفه و احساس به جای آن به عنوان «مشی‌ای زنانه». این که عقلانیت مورد باور سینگر و ریگان نهایتاً تا چه اندازه از همان جنس عقلانیت دکارتی و علمی است که نهایتاً بهره‌کشی و سوءاستفاده از حیوانات را مجاز می سازد بحثی است که در این مقال نمی‌گنجد. اما نباید چند نکته را فراموش کند. یکی این که مشخص نیست که چگونه می توان دیدگاه انتقادی‌ای را که سینگر بر قبال دیدگاه علمی و همچنین نگره روشنگری - به ترتیب در فصل‌های دوم و پنجم و همچنین جای جای کتاب - اتخاذ کرده است، بر این اساس توجیه کرد. همچنین در صورتی که این فرض را درست بدانیم، مشخص نیست که چرا لور در این همان بستر عقلانیت علمی، نگره‌هایی علیه خود این نوع از عقلانیت شکل گرفتند که به لحاظ عملی نتایج شگفت‌انگیزی در زمینه حقوق حیوانات بر جای گذاشته‌اند. دوم این که اصولاً نمی توان دیدگاه علمی را ذاتاً و مطابقتاً مادرستی تصور کرد. چه همین دیدگاه علمی پرده از حقایق بسیاری در خصوص جهان حیوانات و خویشی نزدیک ما با آن‌ها، شواهد به نفع حساس بودن آن‌ها، بسیاری از نیازهای غریزی‌شان که باید برآورده شود و مسائلی از این دست برداشته است، که سینگر هم به برای خود در تأیید نظرهایش از آن‌ها بهره‌برداری می‌کند. شاید مسئله اصلی در متدکرتین علم افسارگسیخته به اخلاق باشد که مانع آن در بهره‌برداری‌های بی‌سود و بی‌معنی گردد. دیگری و به‌ویژه در خصوص سینگر این که، توسل به عقلانیت به معنای نفی عاطفه و احساس به مثابه امری غیرقابل قبول از ناحیه او نیست. علاوه بر در نظر گرفتن حساسیت یا توانایی احساس درد و لذت، به مثابه معیاری که بر

1. Quoted in James Turner, *Reckoning with the Beast: Animals, Pain and Humanity in the Victorian Mind* (Baltimore: Johns Hopkins University Press, 1980), 101, 103.

اساس آن می‌توان مشخص کرد کدام موجود منافع دارد، (در فصل ششم همین کتاب) سینگر در خصوص توسلش به معیار عقلانیت چنین می‌گوید:

محور اصلی این کتاب این مدعاست که تبعیض علیه موجودات صرفاً به دلیل گونه‌ای که بدان تعلق دارند شکلی از پیش‌داوری است که به همان نحوی غیراخلاقی و غیرقابل دفاع است که تبعیض بر مبنای نژاد ... به نفع آن استدلال کرده‌ام، و در این راه به عقل متوسل شده‌ام و نه عاطفه یا احساس. این مسیر را نه به این دلیل برگزیده‌ام که از اهمیت عواطف انسانی و احساسات احترام به موجودات دیگر ناآگاهم، بلکه به این دلیل که عقل در توسل خود جهان‌شمول‌تر و متعادل‌کننده‌تر است. همچنان که تحسینگر آن دسته از کسانی هستیم که گونه‌پرستی را از زندگی خود صرفاً به خاطر توجه همدلانه‌شان به دیگران به تمامی موجودات حساس گسترش می‌دهند، فکر نمی‌کنم که توسل به همدلی و خوش‌فلسفه‌تنه‌ی اکثر کسانی را که درگیر اشتباه گونه‌پرستی هستند قانع کند...

در نهایت نباید از این نکته غافل شویم که حتی فمینیست‌های مدافع حیوانات نیز به رغم مخالفت‌های نظری با واضع ریگان و سینگر، نهایتاً از حیث عملی به همان نتایج مورد باور آن‌ها ابراز پیوند خواهند کرد. اخلاق فمینیستی حقوق حیوانات نیز با گوشت‌خواری، کستن - زانان برای پوشاک، شکار، پوست و خز (در شکل کالاهای لوکسی که زنان استفاده می‌کنند)، سوارکاری، سیرک‌ها، پرورش انبوه، استفاده در آزمایشگاه‌ها برای آزمایش فراورده‌های آرایشی و بهداشتی، تجهیزات نظامی، آزمایش‌های روان‌شناختی و غیره (که می‌توان از روش‌های جایگزین استفاده کرد) مخالف است؛ و این گرایش تخریب بیشتر تالاب‌ها، جنگل‌ها و سکونتگاه‌های طبیعی را محکوم و برای پیشگیری از آن تلاش می‌کند.^۳

1. sympathy

۲. بتگرید به صفحه ۴۴۰ همین کتاب.

۳. بخش عمده این قسمت، و همچنین بیشتر ارجاعات به متون اصلی، برگرفته‌ای است از مقاله زیر

Josephine Donovan, "Animal Rights and Feminist Theory," in *Ecofeminism, Women, Animals, Nature*, ed. Greta Gaard (Temple University Press, 1993, Chapter 7 pp. 167-194).